

غرب تاهزینه ندهد، فشارمی آورد

محمد جمشیدی، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران رابطه کم‌اثر کردن تحریم‌ها و قدرت منطقه‌ای ایران را بررسی کرد «۵،۶»



بررسی هان‌شان می‌دهد به ازای هر ۱/۲۱ خانواده ایرانی یک خودرو وجود دارد و این یعنی خودرو دیگر یک محصول مصرفی نیست، کاهش تولید و سوداگری عوامل اصلی افزایش این محصول سرمایه‌ای هستند

چرا خودرو پرواز کرد



نایب رئیس فراکسیون اصولگرایان مجلس در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

**با استیضاح
رئیس جمهور مخالفیم**

«۳»

موسیقی زنده یا همان کنسرت در دانشگاه؟!

مسئولان دانشگاه شهید بهشتی پاسخگو باشند

«۱»



حمیدرضا طیبی، رئیس جهاد دانشگاهی

از فراز و فرود حمایت از دانش بومی می‌گوید

مدیران خودباور باید بر سر کار بیایند

«۱۴»

« دیدگاه

جمع بندی اسد برای نشست سوچی

دو موضع مورد اختلاف اجلاس سوچی هم اشاره کرد. او صراحتا به طرف ترکی گفت: «هر وجه از خاک سوریه آزاد خواهد شد و هر کسی که دخالت کند، دشمن و متجاوز است و با همه نیروهای خارجی مثل دشمن واشغالگر برخورد خواهد شد.» رئیس جمهور سوریه به کردها که بیش از ۲۰ درصد سرزمین سوریه را در اختیار دارند نیز کنایه زد و از آنها به عنوان «گروه‌هایی که به آمریکا دل خوش کرده‌اند» یاد کرد و گفت: «آمریکا از شما حمایت نخواهد کرد و کسی جز دولت و ارتش سوریه از شما حمایت نخواهد کرد. آمریکا بر سر شما معامله می‌کند. اگر کشورتان از شما حمایت نکنند، آمریکا شما را به عثمانی‌ها می‌فروشد. ارتش تنها کسی است که می‌تواند برخی گروه‌ها را در شمال شرق کشور حمایت کند.» اصلی‌ترین مسأله پس از جنگ برای آینده سوریه، تدوین قانون اساسی این کشور است. ترکیه و تروریست‌های مخالف دولت اسد در تلاش هستند تا با انگیزاری در کمیته تدوین قانون اساسی، زمینه حذف اسد را فراهم کنند. رئیس جمهور سوریه نسبت به این تلاش‌ها هم واکنش نشان داد و صراحتا گفت نخواهد گذاشت اردوغان شروط خود را بر کمیته تدوین قانون اساسی سوریه تحمیل کند. او گفت به کشورهای متجاوز یا کارشان اجازه نمی‌دهیم که شروطشان را به کمیته [تدوین] قانون اساسی تحمیل کنند. بشار اسد به مسأله تغییر ساختار درونی قدرت در سوریه نیز اشاره‌ای داشت. او با این جمله که «دیگر نمی‌توان طبق شیوه‌های غالب در دهه‌های گذشته امور دولت را اداره کرد و به دنبال آن به توسعه دست یافت»، تلویحا تلاش کرد این پیام را به مخالفان دولت برساند که پس از پایان غائله تروریست‌ها، ساختار قدرت نیز در این کشور تغییر خواهد کرد. رئیس جمهور سوریه برخلاف بسیاری از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس که میانه‌چندانی با انتخابات ندارند، از انتخابات به عنوان مولفه اصلی قدرت کشور یاد کرد و برگزاری انتخابات شوراهای محلی در موعد خود را به معنای «قدرت ملت، دولت و موفقیت در مقابله با تروریسم خواند.» یکی دیگر از موضوعاتی که بشار اسد به آن اشاره کرد، سوءاستفاده از آوارگان سوری بود. او آوارگان را «یکی از ستون‌های اصلی جنگ علیه سوریه» خواند و گفت یک سال قبل از جنگ، برای این مسأله [آوارگان]، در برخی کشورهای همسایه آماده شده بودند تا از این طریق دمشق را با محکومیت‌های بین‌المللی بزرگ مواجه کنند. او خطاب به کشورهایی که مانع بازگشت آوارگان می‌شوند نیز گفت: «اگر تعداد آوارگان برای برخی کشورها اراقمی در جهت بازی سیاسی است، اما برای دمشق به معنای بازگشت کرامت به مردم است.»

یکی دیگر از موضوعات مورد توجه اسد، توجه به نیازهای مردم در شرایط کنونی که تقریبا جنگ در این کشور به پایان رسیده است، بود. او از روسای شوراهای محلی خواست تا امکانات موجود کشور را به عدالت و بر حسب نیازمندی استان‌های سوریه توزیع و برای مدیریت وضعیت کنونی تلاش کنند.



صادق امامی
دبیر بین‌الملل

از اگوست سال ۱۷ ۲۰ (۱۸ ماه پیش) که بشار اسد، رئیس جمهور سوریه در کنفرانس وزارت خارجه سوریه به صورت عمومی سخنرانی کرد، تا دیروز او سخنرانی ویژه‌ای به صورت عمومی نداشته است. بشار اسد سال ۱۷ ۲۰ در شرایطی در کنفرانس وزارت امور خارجه شرکت کرد که گروهک‌های تروریستی در سوریه، در چندین جبهه شکست خورده بودند و دولت سوریه توانسته بود در عرض چند ماه، مناطق تحت تسلط خود را به ۲/۵ برابر افزایش دهد، ضمن اینکه گروهک تروریستی داعش به عنوان اولویت اول مقابله ارتش سوریه و همپیمانانش، در حال از دست دادن آخرین پایگاه خود در استان دیرالزور بود. ناکامی تروریست‌ها در میدان نبرد با ارتش سوریه باعث شد تا کشورهای پشتیبان تروریست‌ها، دیگر روی کناره‌گیری اسد از قدرت مانور ندهند. مجموعه این پیروزی‌های نظامی و سیاسی، دولت سوریه را در موقعیت برتر قرار داد و بر پایه همین قدرت نیز اسد با اعتماد به نفس از نزدیک شدن سوریه به خط پایان مبارزه با تروریسم و مرحله بازسازی این کشور سخن گفت. او حتی اولویت‌های سیاست خارجی کشور را نیز در این جلسه تبیین کرد. دیروز رئیس جمهور سوریه در جمع روسای شوراهای شهر استان‌های سوریه سخنرانی کرد. انتخاب این تاریخ برای سخنرانی عمومی آن هم پس از یک وقفه طولانی از چند جهت قابل بررسی است.

این سخنرانی در شرایطی صورت گرفت که ارتش سوریه توانسته بسیاری از نقاط در دست تروریست‌ها را با درگیری نظامی یا مذاکره از دست تروریست‌ها آزاد کند. پس از پاکسازی مرزهای جنوبی کشور، ارتش این کشور تجهیزات خود را به سمت استان ادلب ارسال کرد و آماده عملیات در این استان شد. با کارشناسی ترکیه، این عملیات برای مدتی به تعویق افتاد. براساس آنچه مقامات سوری می‌گویند کمتر از ۵ درصد مساحت سرزمینی سوریه در اختیار تروریست‌هاست و دولت در تلاش است بدون توسل به درگیری نظامی، ادلب را در اختیار بگیرد.

رئیس جمهور سوریه سه روز پس از پایان نشست سه‌جانبه ایران، روسیه و ترکیه در سوچی سخنرانی کرد. او از موضع قدرت، محورهایی را مدنظر قرار داد که با کارشناسی ترکیه، در بیانیه پایانی نشست سوچی بدون نتیجه باقی‌ماند. حضور «گروه‌های تروریستی» در ادلب و موضوع «کردهای سوریه» دومخوری بودند که به دلیل اختلافات در ۱۷ بند بیانیه پایانی این اجلاس درباره آنها اتفاق نظر حاصل نشد. بشار اسد بر همین اساس انتقادهای تند علیه اردوغان صورت داد. او رجب‌طیب اردوغان را یک «اخوانی» و «جیره‌خوار حقیر آمریکا» خواند که از ابتدای بحران، گدایی واشتگن را کرده که وارد شمال سوریه شود. بشار اسد به

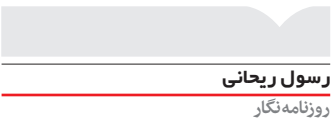
« نگاه

موسیقی زنده یا همان کنسرت در دانشگاه؟!

دانشگاهی می‌داند؛ به این معنی که گروه‌های بیرون از دانشگاه نمی‌توانند برنامه‌های خود را در دانشگاه اجرا کنند.

البته این شروط همان‌طور که آیین‌نامه گفته صرفا «ملاحظات» است و همین که در حاشیه یک برنامه دیگر (مثلا سخنرانی یک مقام مسئول یا برگزاری یک همایش علمی یا فرهنگی با چند سخنران) اجرای موسیقی گنجانده شود، راه‌گزیری ایجاد کرده است. گاهی دیده شده که در ایام مناسبتی به همین شیوه گروه‌های موسیقی به دانشگاه‌ها دعوت شده‌اند؛ برنامه عنوان کنسرت نداشته و در کنار یک برنامه دیگر بوده و به این جهت کار خلاف قانونی رخ نداده، اما بخش قابل توجهی از برنامه اجرای موسیقی و خوانندگی بوده است تا دیگر برنامه‌ها!

اجرای این گونه برنامه‌ها شبیه همان طنز تلخی است که نمایشگاه کتاب در مصلی برگزار می‌شود و همزمان نماز جمعه در دانشگاه! فرقی ندارد مخصوصا اینکه چند مدتی می‌شود که آن حساسیت‌های عجیب و غریب نسبت به برگزاری کنسرت هم برطرف شده است. اواخر مهر ماه بود که شرکت متولی اصلی برنامه‌ها و آثار حامد همایون در راستای استقبال از اجرای زنده این خواننده در تهران و شهرستان‌ها اعلام کرد پرورنده و مدارک لازم برای ثبت جهانی تعداد برگزاری کنسرت‌های او را به مجموعه «گیتس» ارسال کرده است. طبق آماری فقط حامد همایون از ابتدای سال جاری تا پایان شهریورماه با احتساب برگزار نشدن کنسرت‌ها در ماه مبارک رمضان یعنی به‌عبارتی در پنج‌ماه موفق به برگزاری ۳۳۹ کنسرت شده که این رقم در مقایسه با آمار برگزاری کنسرت در ایران رقم بسیار قابل توجهی است با محمد علیزاده یکی از خوانندگان موسیقی پاپ فقط تا پایان سال ۹۶، ۱۳۴ سانس کنسرت برگزار کرده است. آماری که نشان می‌دهد آن فضای کاذب محدودیت در اجرای کنسرت بیش از آنکه واقعی بوده باشد بیشتر جنبه رسانه‌ای داشته است. همین وضع در دانشگاه‌ها نیز برقرار است. موضوع این است که عنوان کنسرت را عوض کنیم و اسمش را موسیقی زنده یا هر چیز دیگری بگذاریم، اما کلیت همان باشد. چیزی که نه در شأن دانشگاه شهید بهشتی و هیچ دانشگاه دیگری است و نه در شأن خواننده وزینی چون علیرضا قربانی!



رسول ریحانی
روزنامه نگار

دانشگاه شهید بهشتی اعلام کرده است به همت معاونت فرهنگی و اجتماعی جشن چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران را با حضور محمدجواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، فارغ التحصیل یکی از پردیس‌های دانشگاه شهید بهشتی (دانشگاه شهید عباسپور سابق) برگزاری کند. نکته قابل توجه اینکه در این برنامه علیرضا قربانی، خواننده ارکستر موسیقی ملی ایران که او هم فارغ التحصیل دانشگاه شهید بهشتی است به اجرای موسیقی زنده (!) خواهد پرداخت.

اسفندماه سال ۹۴ بود که شورای اسلامی شدن دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی کشور (که متشکل از مسئولان آموزش عالی است) آیین‌نامه موسیقایی در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی سراسر کشور را ابلاغ کرد. حدود سه سال از این آیین‌نامه دولت یازدهم می‌گذرد؛ آیین‌نامه‌ای که صریحا برگزاری هرگونه کنسرت و برنامه‌های مستقل موسیقایی را از اولویت‌های دانشگاه ندانسته و ممنوع اعلام کرده است. اما این آیین‌نامه ماده‌ای نیز دارد که راه‌گزیری برای برگزاری برنامه‌های شبه کنسرتی را در دانشگاه‌ها باز می‌کند؛ البته نه با عنوان کنسرت بلکه با عنوان زیرکانه موسیقی زنده یا هر عنوان دیگری که کنسرت در آن نباشد. آن ماده آیین‌نامه چیست؟ ماده دوم این آیین‌نامه می‌گوید «استفاده از موسیقی» فاخر و ارزشمند ایرانی، در ضمن برنامه‌ها با رعایت ملاحظات ذیل امکان‌پذیر است: تقویت کننده هویت ملی و متناسب با موازین اسلامی باشد؛ برخوردار از محتوا و مضمون هدایتگر در جهت ترغیب به وظایف اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و انقلابی و تقویت کننده روحیه علمی، خودباوری و میل به پیشرفت باشد؛ همچنین از خوانندگان و چهره‌های موجه فرهنگی استفاده شود و هیجانات خارج از عرف، مهیج و محرک شهوت و مخصوص مجالس ابتدال و لیل و لعب القان شود و دیگر اینکه از شعر و مضامین مشوق بی‌بندوباری، یاس و ناامیدی، سطحی‌نگری و غفلت از مقام انسانی و بندگی میرا باشد. آیین‌نامه ماده دیگری نیز دارد که اولویت برگزاری برنامه‌های موسیقی را محدود به مجموعه‌ها و گروه‌های دانشجویی و

« یادداشت

«سوء تفاهم» تمام مضامین شالوده‌شکنانه را پیش پای واقعیت ذبح می‌کند

«سوء تفاهم» به‌رغم اینکه تقدیم به یکی از



عماد افروغ
نویسنده و جامعه‌شناس

پست مدرن‌های معروف فرانسوی شده، ولی به هیچ وجه ماهیت پست مدرن ندارد و نهایتا

حکایت از یک واقعیت می‌کند. یعنی تمام این بازیگری‌های بی‌تأثیر ناواقع، آخرالامر به واقع‌ای ختم می‌شود که در واقع یک اتفاقی افتاده و آن اتفاق توسط کسانی که در شرف بازی بودند یا کسانی که سناریو را نوشته بودند، اتفاق نمی‌افتد بلکه خارج از اینها اتفاق می‌افتد و کاملا ماهیت رئالی دارد و در این بین لایه‌لایه‌گی برداشت‌ها را نشان می‌دهد، نه واقعیت را. بنابراین این لایه‌های متعدد کاملا توهمی است و واقعیت چنان که هست، هست.

زمانی ما می‌گوییم واقعیت‌ها لایه‌لایه هست و زمانی برداشت‌ها لایه‌لایه، صرفا در حد لایه‌لایه‌بودگی واقعیت‌هاست که می‌تواند همراه با توهمات متفاوتی باشد. حتی در عین حال که می‌خواهد یک لایه‌لایه‌گی ذهنی را به تصویر بکشد، اما در آنجا که‌هایی از واقعیت را هم می‌بینیم؛ آنجا که پای وجدان و منطق به میان می‌آید. شاید مهم‌ترین برجستگی فیلم در همین باشد، که هر جالایه‌های مختلف توهم با هم مواجه می‌شوند، رگه‌ای از واقعیت ظهور می‌کند. هم منطق و هم وجدان یک امر واقعی است. شاید در اینجا وجدان بر منطق غلبه دارد و من هم این را می‌پسندم و این فیلم قابل تحسین است، اما به هیچ وجه من آن را یک فیلم شالوده‌شکنانه و تفکرگرایانه صرف تفسیر نمی‌کنم. این فیلم نهایتا ژانل است و نشان می‌دهد تمام این تفاوت‌گرایی‌ها پیش پای یک ژانل واقع، توهمی بیش نیست. درحقیقت وجه مهم فیلم، وجه هستی‌شناختی آن است که بر «واقعیت» صحه می‌گذارد، هرچند جهانی متوهم و پر از سوء تفاهم را تعبیر و تفسیر می‌کند. با توجه به همین وجه هستی‌شناختی و فلسفی فیلم است که به‌رغم وقوع در جهانی از بازی توهم و تصویر، بر واقعیت صحه می‌گذارد و مرا متقاعد می‌کند که این یک فیلم ژانل است، نه پست مدرن و من خوشحالم که این را می‌گویم. پست مدرنیسم شما را در یک تفکر گرایی محض نگه می‌دارد و از واقعیت غافل می‌کند. پست مدرنیسم تفوق را به انسان می‌دهد نه هستی را، یعنی یک انسان گرایی را در دل پست مدرنیسم می‌بینیم. در این فیلم نهایتا می‌بینیم هستی‌ای مقدم بر انسان انگاری و هستی‌شناسی‌ای مقدم بر معرفت‌شناسی وجود دارد. ارزش فیلم سوء تفاهم میان بازی‌های واقع و فراقواقع که از زاویه مقالات معرفت‌شناختی و انسان گرایی است، آن است که نهایتا هستی‌شناسی را تقدم می‌بخشد.

بنابراین من این فیلم را یک فیلم ژانل تعبیر می‌کنم و چون خودم هم ژالیست هستم، خوشحالم فیلمی را می‌بینم که تمام این مضامین شالوده‌شکنانه را پیش پای یک واقعیت ژانل ذبح می‌کند و به تصویر می‌کشد. در دنیا هم همین است. مجاز به هر حال مجاز است، چه مجاز برای مجاز باشد و چه مجاز برای حقیقت. نهایت آن چیزی حقیقت است که بر مجاز غلبه پیدا می‌کند و در این فیلم هم می‌بینم که واقعیت تمام این تصورات و توهمات را پشت سر گذاشت و تحت الشعاع قرار داد. جهان، جهان بازی مجاز و واقعیت است و این سردرگمی و بحران هویت نسل معاصر را دامن زده است، اما ما باید به این سو حرکت کرده که «واقعیت» را در متن این تصویرگری و سوء تفاهم‌ها تصور کنیم. ارزش فیلم سوء تفاهم آن است که با تصویر این سوء تفاهم، به واقعیت فرصت می‌دهد تا این بازی تصویر و تصور را بر هم زند و آن را پشت پرست بگذارد و تفکر هستی‌شناختی خود را به مثابه غلبه بر این زانده‌های معرفت‌شناختی معاصر و جهان بخشد و گشودگی را در انتهای این بن‌بست ارمغان دهد.